

مَطَرُ السَّمَكِ

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ...﴾ (الأنعام: ٩٩)

خداوند کسی است که بادهای را می‌فرستد پس ابری بر می‌انگیزد پس آن را در آسمان می‌گستراند.

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ النَّجْمِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمُنُ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا؛ فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.

آیا باور می‌کنی که در روزی از روزها ماهی‌ها را ببینی که از آسمان فرو می‌ریزد (می‌افتد)؟ همانا نزول باران و برف از آسمان امری (چیزی) طبیعی است؛ ولی آیا ممکن است که باران ماهی را ببینیم؟! آیا گمان می‌کنی که آن باران حقیقت باشد و فیلمی خیالی نیست؟ بسیار خوب پس به این عکس‌ها نگاه کن تا باور کنی.

انظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.

به دقت نگاه کن؛ تو افتادن ماهی‌ها را از آسمان می‌بینی؟ گویا آسمان ماهی می‌بارد. مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی» می‌نامند. این پدیده سال‌های طولانی مردم را به حیرت انداخت پس جوابی برای آن نیافتند. باران ماهی سالانه در جمهوری هندوراس در آمریکای میانه پدید می‌آید.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيَلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبَخِهَا وَ تَنَاوَلُهَا.

این پدیده احياناً دو بار در سال پدید می‌آید، پس مردم ابرهای سیاه بزرگی و رعد و برقی و بادهایی قوی و بارانی شدید را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می‌کنند سپس زمین با ماهی‌ها پوشیده می‌شود، پس مردم برای پختن و خوردنشان آنها را می‌گیرند.

حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِيَزَارَةَ الْمَكَانَ وَ التَّعْرِيفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَاحِدٍ وَ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتِي كِيلُومِترٍ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ. مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟!

دانشمندان برای شناختن راز آن پدیده عجیب تلاش کردند؛ پس گروهی را برای دیدن مکان و شناسایی ماهی‌هایی که بعد از این باران شدید به زمین افتادند، فرستادند، پس دریافتند که همه ماهی‌ها پراکنده بر زمین به یک حجم (اندازه) و یک نوع هستند، اما نکته عجیب در این امر این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های اطراف نیستند بلکه متعلق به آب‌های اقیانوس اطلس که مسافت دویست کیلومتر از محل افتادن ماهی‌ها فاصله دارد، می‌باشد. علت تشکیل این پدیده چیست؟!

يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.

گردباد شدیدی رخ می‌دهد پس با نیرویی ماهی‌ها را به آسمان می‌کشد و آن‌ها را به مکان دوری می‌برد و هنگامی که سرعتش کم می‌شود (آنها) بر زمین می‌افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُوراسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ».

مردم در هندوراس سالانه این روز را جشن می‌گیرند و آن را «جشنواره باران ماهی» می‌نامند.

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. ✓ x

۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندُوراسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ الْبَحْرِ». x

مردم هندوراس این روز را ماهیانه جشن می‌گیرند و آن را «جشنواره دریا» می‌نامند.

۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكِ عَلَى الْأَرْضِ. ✓

هنگامی که گردباد سرعتش را از دست می‌دهد ماهی‌ها بر زمین می‌افتند.

۳- يَتَيْسُ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. x

دانشمندان از شناخت راز آن پدیده عجیب ناامید شدند.

۴- إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. ✓

قطعا بارش باران و برف از آسمان یک امر طبیعی است.

۵- تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ. x

این پدیده ده بار در سال پدید می‌آید.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

باب	مصدر	امر	مضارع	ماضي
إِسْتِفْعَال	اسْتِغْفَار: آمرزش خواستن	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست
إِفْتِعَال	إِعْتِذَار: عذر خواستن	اعْتِذِرْ: عذر بخواه	يَعْتَذِرُ: عذر می‌خواهد	اعتذَرَ: عذر خواست
إِنْفِعَال	إِنْقِطَاع: قطع شدن	انْقِطِعْ: قطع شو	يَنْقُطِعُ: قطع می‌شود	انْقَطَعَ: قطع شد
تَفَعُّل	تَكَلُّم: صحبت کردن	تَكَلَّمْ: صحبت کن	يَتَكَلَّمُ: صحبت می‌کند	تَكَلَّمَ: صحبت کرد

تَرْجِمِ جُمْلَةَ هَذِهِ الْجَدَاوِلِ.

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ: (باب افتعال) اِمْتَنَعَ، يَمْتَنِعُ «اِمْتِنَاع: خودداری کردن»

هُؤُلَاءِ اِمْتَنَعُوا.	أنا اِمْتَنَعُ.	يا زميلاتي، هل اِمْتَنَعْتُنَّ؟	يا حبيبي، اِمْتَنِعْ.	إِخْوَتِي لَا يَمْتَنِعُونَ.
این‌ها خودداری کردند	من خودداری می‌کنم	ای همکلاسی‌هایم آیا خودداری کردید	ای دوست من خودداری کن	برادرانم خودداری نمی‌کنند

الْجَدْوَلُ الثَّانِي: (باب استفعال) اسْتَغْفَرَ، يَسْتَغْفِرُ «اسْتِغْفَار: آمرزش خواستن»

هَلِ اسْتَغْفَرْتَ؟	الْمُؤْمِنُ يَسْتَغْفِرُ.	نَحْنُ اسْتَغْفِرُنَا.	اسْتَغْفِرْ رَبَّكَ.	أَلَا تَسْتَغْفِرُ أَنْتَ؟
آیا آمرزش خواستی؟	مؤمن آمرزش می‌خواهد	ما آمرزش خواستیم	از پروردگارت آمرزش بخواه	آیا تو آمرزش نمی‌خواهی؟

الْجَدْوَلُ الثَّلَاثُ: (باب انفعال) انْقَطَعَ، يَنْقُطِعُ «انْقِطَاع: قطع شدن»

انْقَطَعَتِ الْكُهْرَبَاءُ.	انْقِطِعْ يَا مَطَرُ.	لَا تَنْقُطِعْ يَا مَطَرُ.	لَا يَنْقُطِعُ رَجَائِي.	الشَّجَرَتَانِ مَا انْقَطَعَتَا.
برق قطع شد	ای باران قطع شو	ای باران قطع نشو	امیدم قطع نمی‌شود	دو درخت قطع نشدند

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ: (باب تفعُّل) تَعَلَّمَ، يَتَعَلَّمُ «تَعَلُّم: یاد گرفتن»

زُمَلَائِي تَعَلَّمُوا.	نَحْنُ تَعَلَّمْنَا.	تَعَلَّمْ يَا صَدِيقِي.	أَأَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ؟	تَعَلَّمُوا أَنْتُمْ.
همکلاسی‌هایم یاد گرفتند	ما یاد گرفتیم	ای دوست من! یاد بگیر	آیا شما یاد می‌گیرید؟	شما یاد بگیرید

معنای فعل ثلاثی مجرد با ثلاثی مزید فرق دارد.

یکی از معانی مشهور باب استفعال «درخواست» است؛ مثال:

غَفَرَ: آمرزید اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست رَحِمَ: رحم کرد اِسْتَرْحَمَ: رحمت خواست

اِخْتَبَرَ نَفْسَكَ: تَرَجِمَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ

خَدَمَ: خدمت کرد..... اِسْتَخْدَمَ: به کار گرفت... شَهِدَ: شاهد بود اِسْتَشْهَدَ: شهادت خواست

معنای مشهور باب‌های «افتعال»، «انفعال» و «تفعّل»، مُطَاوَعَه (پذیرش اثر فعل)

است؛ مثال:

مَنَعَ الطَّيِّبُ الْمَرِيضَ عَنِ الْعَمَلِ، فَاُمْتَنَعَ.

پزشک بیمار را از کار بازداشت، و او پذیرفت و خودداری کرد.

أَدَّبَ الْوَالِدُ الطُّفْلَ، فَتَأَدَّبَ. پدر کودک را ادب کرد و او با ادب شد.

كَسَرَ الطُّفْلُ الزُّجَاجَ، كُودَكَ شَيْشَةَ رَا شَكْسَتْ. اِنْكَسَرَ الزُّجَاجُ: شیشه شکسته شد.

مفعول

مفعول

اِخْتَبَرَ نَفْسَكَ: تَرَجِمَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ

قَطَعَ: قطع کرد..... اِنْقَطَعَ: قطع شد.....

بَعَثَ: فرستاد اِنْبَعَثَ: فرستاده شد.....

نَشَرَ: منتشر کرد اِنْتَشَرَ: منتشر شد.....

عَلَّمَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا فَتَعَلَّمَ.

خداوند همه اسم‌ها را به انسان آموخت پس یاد گرفت.....

جَمَعْتُ زَمَلَائِي لِلاَصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ، فَاجْتَمَعُوا.

همکلاسی‌هایم را برای صبحگاهی جمع کردم پس جمع شدند.

مَلَأَ: پر کرد..... اِمْتَلَأَ: پر شد.....

فَتَحَ: باز کرد..... تَفَتَّحَ: باز شد.....

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْلازِمَ وَالْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ.

- ۱- قَامَتْ رُقِيَّةٌ فِي حِصَّةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ... رُفِيه در زنگ زبان عربی برخاست. «قَامَتْ: لازم».....
- ۲- ذَهَبَتْ زَمِيلَتِي لِإِطْفَاءِ الْمُكَيِّفَاتِ. همکلاسی‌ام برای خاموش کردن کولرها رفت. «ذَهَبَ: لازم»
- ۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرِّ. خداوند آسمان را با ستارگانی همچون مروارید زینت دارد. «زَانَ: متعدی»
- ۴- تَنَمَوُ الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ. درخت از دانه‌ای کوچک رشد می‌کند. «تَنَمَوُ: لازم».....
- ۵- ذَكَرْتُ أَمَثَلَةً لِلْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ. مثال‌هایی برای تأسیسات عمومی ذکر کردم. «ذَكَرْتُ: متعدی»
- ۶- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدٌ حَاسِبًا لَهُ. پدر حامد رایانه‌ای برایش خرید. «اشْتَرَى: متعدی».....

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حَوَارَاتُ (فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ فِي الْمَطَارِ)

گفت و گوها (گفت و گویی در قسمت گذرنامه در فرودگاه)

اَلْمُسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ	شُرْطِيُّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ
مسافر ایرانی	پلیس اداره گذرنامه
نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُلٍ.	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟
ما از ایران و از شهر بابل هستیم.	خوش آمدید، شما اهل کدام کشور هستید؟
أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.	مَرْحَبًا بِكُمْ. شَرَفْتُمُونَا.
از تو تشکر می‌کنم آقا!	درود بر شما، به ما افتخار دادید.
أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.	مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!
این زبان را دوست دارم، عربی زیباست.	ما شاء الله به خوبی عربی صحبت می‌کنی!
سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَحْوَايَ!	كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟
شش نفر: پدر و مادرم، دو خواهر، دو برادرم.	تعداد همراهان چند نفر است؟
نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.	أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟
بله، هر یک از ما کارت‌ش در دستش است.	مهمانان خوش آمدید. آیا شما کارت‌های ورود دارید؟
عَلَى عَيْنِي.	الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ لِتَلْتَفِتِيْشِ.
بر روی چشم.	مردان سمت راست و زنان سمت چپ برای بازرسی
نَحْنُ جَاهِزُونَ.	رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.
ما آماده‌ایم.	لطفاً، گذرنامه‌هایتان را در دستتان بگیرید.

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

الْتَمَارِين

الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ x

- ۱- الْمَهْرَجَانُ اِحْتِفَالٌ عَامٌّ بِمُنَاسَبَةِ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ. ✓
جشنواره جشنی عمومی به مناسبت زیبایی، مانند جشنواره شکوفه‌ها و جشنواره فیلم‌هاست.
- ۲- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نَزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ. x
برف نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط بر روی کوه‌ها می‌بارد.
- ۳- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ. ✓
ماهی‌ها در رودخانه و دریا زندگی می‌کنند و انواع مختلفی دارند.
- ۴- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ. ✓
ایرانی‌ها اولین روز از روزهای سال شمسی را جشن می‌گیرند.
- ۵- الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ، لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. x
گردباد، باد شدیدی است که به مکانی دیگر منتقل نمی‌شود.

الْتَمْرِينُ الثَّانِي: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِبًا.

- ۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ لا تَتَّخِذُوا لا تُخْبِرُوا
- ۲- وَ مَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا يَلْسَانُ قَوْمِهِ نَتَّعَاوُنُ أَرْسَلْنَا
- ۳- يَا أُخْتِي، أَنَا لَا أَكْذِبُ؛ لِمَاذَا لَا كَلَامِي؟ تُصَيِّرِينَ تُصَدِّقِينَ
- ۴- يَا بُنَيَّ، مَاذَا تُرِيدُ مِنْ أُمِّكَ؟ لَقَدْ هَا. حَيَّرْتَ غَيَّرْتَ
- ۵- يَا لَيْتَ السَّمَاءَ عَلَيْنَا كَثِيرًا هَذَا الْيَوْمَ! يُغْلِقُ تُمْطِرُ

الْتَمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيْنُ صَمِيرًا مُنَاسِبًا لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ.

أَنَا / أَنْتَ ، أَنْتِ / هُوَ ، هِيَ نَحْنُ / أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ ، أَنْتُمْ / هُمْ ، هُنَّ ، هُمَا

تو صحبت نکن	تَكَلَّمْ .. أَنْتِ	او نمی‌خواند	هُوَ .. لَا يَقْرَأُ	آن‌ها عذر نخواهند دادند	هُنَّ .. مَا اعْتَذَرْنَ
آنها برخواستند	هم .. ما قاموا	تو پیشنهاد بده	اقترحي .. أَنْتِ	آن‌ها سود می‌بردند	هم .. يَنْتَفِعُونَ
او نیافتاد	هی .. ما وَقَعْتُ	من جشن خواهم گرفت	أَنَا .. سَأَحْتَفِلُ	شما نصیحت کنید	انصحو .. أَنْتُمْ
ما کار خواهیم کرد	نحنُ .. سَنَسْتَعْمَلُ	من آمرزش می‌خواهم	أَنَا .. أَسْتَغْفِرُ	تو آمرزش بخواه	استغفر .. أَنْتِ
شما منتظر خواهید ماند	أَنْتُنَّ .. سَوْفَ تَنْتَظِرْنَ	تو ملاحظه کردی	أَنْتِ .. لَاحَظْتَ	شما تمرین می‌کنید	أنتم .. تُمَارِسُونَ
تو بیدار نشو	لا تَنْتَبِهِي .. أَنْتِ	او فرستاده شد	هُوَ .. انْبَعَثَ	تو فارغ التحصیل می‌شوی	أَنْتِ .. تَتَخَرَّجِينَ

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید. الْمُمْتَحَنَةُ : ۱

۲- و ما هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم. ابراهیم: ۴

الْتَمْرَيْنِ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَ، وَ عَيْنِ الْفِعْلِ اللَّازِمِ وَالْمُتَعَدِّي فِي الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ.

۱- ﴿ فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ ﴾ آل عمران : ۱۳۵

پس برای گناهان خود آمرزش خواستند و چه کسی جز خداوند گناهان را می آمرزد..... متعدی

۲- ﴿ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴾ یونس : ۲۰

بی شک، آگاهی از غیب خاص خداوند است پس منتظر باشید همانا من با شما از منتظران هستم. لازم

۳- ﴿ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ ﴾ الْمَزْمَل: ۱۰

بر آن چه می گویند صبر کن و آن ها را ترک کن..... متعدی

۴- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا. أمير المؤمنين علي عليه السلام

مردم خواب هستند زمانی که بمیرند بیدار می شوند..... لازم



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث حضرت علی علیه السلام

الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ۱- مَكَيِّفُ الْهَوَاءِ
کولر
- ۲- الْمَشْمِشُ
زردآلو
- ۳- الْمُوَاطِنُ
شهروند
- ۴- الْمَغْلَقُ
بسته
- ۵- الْخَضِرَةُ
سرسبز
- ۶- الْأَصْفُ
کلاس
- ۶- يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.
دانش آموزان در آن خانه درس می‌خوانند.
- ۴- مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا.
آن که باز نیست بلکه بسته است.
- ۲- فَكَيْهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا.
میوه‌ای که مردم آن را خشک نیز می‌خورند.
- ۱- جِهَازٌ لِلْخُلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.
دستگاهی برای رهایی از گرمای تابستان
- ۳- مَنْ يَعْيشُ مَعَكَ فِي وَطَنِكَ وَ هُوَ مِنْ أَهْلِيهِ.
کسی که با تو در وطنت زندگی می‌کند و از اهالی آن است.

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

- أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ / غُرْفَةَ
پایین آورد / شد / جشن / بالا برد / بالا آمدن / شد / اتاق / جشن / پایین آمدن / اتاق
- أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ / / أَصْبَحَ = صَارَ / / حَفَلَةَ = مِهْرَجَانَ / / صُعُودَ ≠ نُزُولَ / /
..... حُجْرَةَ = غُرْفَةَ

الْتَمْرِينُ السَّابِعُ: تَرَجِّمُ هَذِهِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ.

إِبْتَسَمَ	إِبْتَسَمُوا	يَبْتَسِمُونَ	تَبْتَسِمُونَ	إِبْتَسِمِي	نَبْتَسِمُ	إِبْتَسِمِ
لبخند زد	لبخند زدند	لبخند می‌زنند	لبخند می‌زنید	لبخند بز	لبخند می‌زنیم	لبخند زدن
احْتَرَقَ	احْتَرَقُوا	سَيَحْتَرِقَانِ	لَا تَحْتَرِقُونَ	تَحْتَرِقِينَ	كَانُوا يَحْتَرِقُونَ	احْتَرِاقِ
آتش گرفت	آتش گرفتند	آتش خواهند گرفت	آتش نمی‌گیرید	آتش می‌گیری	آتش می‌گرفتید	آتش گرفتن
إِنْفَتَحَ	إِنْفَتَحَتْ	سَيَنْفَتِحُ	إِنْفَتَحْنَا	إِنْفَتِحْ	لَا يَنْفَتِحُ	إِنْفِتَاحِ
باز شد	باز شد	باز خواهند شد	باز شدند	باز شو	باز نمی‌شود	باز شدن
تَعَرَّفَ	تَعَرَّفُوا	تَعَرَّفِ	تَتَعَرَّفُونَ	تَعَرَّفْنَا	نَتَعَرَّفُ	تَعَرَّفِ
شناخت	شناختند	بشناس	می‌شناسید	شناختیم	می‌شناسیم	شناختن

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

اِغْفِرْ اِسْتَغْفِرْ

نَخْرُجْ نَتَخَرَّجْ

اِنْقَطَعَ قَطَعَ

يَنْظُرُ يَنْتَظِرُ

سَلِمْنَا اِسْتَلَمْنَا

۱- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِدُنْيِكَ﴾ غافر: ۵۵

۲- إن شاء الله سوف كلنا من المدرسة بعد سنتين.

۳- إلهي قد رجائي عن الخلق و أنت رجائي.

۴- كان صديقي والدة للرجوع إلى البيت.

۵- أنا و زميلي رسائل عبر الإنترنت.

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرَجِّمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾	﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾	﴿رَجِعُوا إِلَيْهِمْ﴾
کسانی که ظلم کردند خواهند دانست	آن‌ها را می‌شناسید	به سوی آنها برگشتند
﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾	﴿وَلَا تَيَاسُوا﴾	﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾
می‌گویند. شنیدیم	و نا امید نشوید	می‌دانم آنچه را که نمی‌دانید
﴿إِرْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾	﴿اِسْتَخْرَجَهَا﴾	﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾
به سوی پروردگارت بازگرد	آن را خارج کرد	بیشترشان شکر نمی‌کنند
﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾	﴿نَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً﴾	﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾
بر چیزی قادر نیست	آن‌ها را ائمه قرار می‌دهیم	بر خودم ستم کردم
﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾	﴿اِغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾	﴿أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾
ما را ببامرز و به ما رحم کن	چهره‌ها پتان را بشوید	وارد بهشت شوید
﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾	﴿وَ اَثْرُكَ الْبَحْرِ﴾	﴿قَالَ فَأَخْرَجَ مِنْهَا﴾
در زمین جستجو می‌کند	و دریا را رها کن	گفت پس از آن خارج شو